

تبیین علل عدم نهادینگی جنبش‌های محیط زیستی در ایران بر مبنای نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک آدام لقمان کاظم پور^۱

۱۵

دوره ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۵
بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۱۲/۱۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۳/۲۱
صص: ۲۵۴-۲۲۳

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۰۵۵۱



چکیده

هدف: جنبش‌های محیط زیستی، امروزه به بخش جدایی‌ناپذیر، ساختار حاکمیت در کشورهای توسعه‌یافته تبدیل شده‌اند. اما در ایران، با وجود گستردگی بحران‌های محیط زیستی، هنوز جنبش‌های محیط زیستی گسترده‌ای برای تبدیل آن‌ها به دغدغه‌ای برای سیاست‌مداران شکل نگرفته است. هدف مقاله حاضر، تبیین علل عدم نهادینگی جنبش‌های محیط زیستی در ایران است. بر همین اساس، سؤال اصلی این است: "عوامل عدم نهادینگی جنبش‌های محیط زیستی در ایران چیست؟" روش: برای این منظور، از روش کیفی (اسنادی) و با تحلیل اسناد و محتوای تولیدشده در این زمینه استفاده شده است. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اتحاد نخبگان در سرکوب جنبش‌های اجتماعی به‌ویژه محیط زیستی، وجود موانع سیاسی و ایدئولوژیک در فضای سیاسی برای ورود آن‌ها به بدنه نظام سیاسی به‌عنوان احزاب سیاسی یا گروه‌های فشار، ثبات و اتحاد درونی ارکان حکومت، هوشیاری هیأت حاکمه و سیاست‌مداران نزدیک به حاکمیت در مورد ماهیت چالشی جنبش‌های اجتماعی برای آن‌ها و عدم دسترسی به متحدین سیاسی نافذ، راه هرگونه دسترسی به فرصت سیاسی را برای جنبش‌های محیط زیستی سد نموده و آن‌ها را از روند نهادینگی ناکام گذاشته است. نتیجه‌گیری: نظریه فرصت‌های سیاسی، عدم نهادینگی و تکامل جنبش‌های اجتماعی در ایران به‌ویژه جنبش‌های محیط زیستی را با دقت بالایی توضیح می‌دهد، در چهارچوب این نظریه، عدم تکامل جنبش‌های محیط زیستی متأثر از عوامل داخلی به‌ویژه اتحاد نخبگان حاکم در سرکوب حرکت‌های اعتراضی‌ای است که ممکن است موقعیت آن‌ها را به چالش بکشد.

کلیدواژه‌ها: جنبش‌های محیط زیستی؛ سیدنی تارو؛ مک آدام؛ فرصت سیاسی؛ ایران.

DOI: 10.22080/jpir.2025.28498.1419

۱. دکتری تخصصی علوم سیاسی- جامعه‌شناسی سیاسی-، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۱. مقدمه

در عصر حاضر، محیط زیست از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی نزد ملت‌ها و دولت‌ها برخوردار است؛ چراکه امروزه، محیط زیست در حمایت از توسعه، چهار نقش مهم را بر عهده دارد که عبارت‌اند از: حمایت از زندگی، عرضه منابع طبیعی، جذب ضایعات محصولات و خدمات رفاهی. درواقع این چهار نقش جزء تفکیک‌ناپذیر محیط زیست است. از سوی دیگر؛ ظرفیت اکوسیستم‌ها برای پذیرش تغییرات در محیط زیست محدود بوده و اگرچه طبیعت توانایی مقابله با تغییرات را دارد، ولی سرعت بازسازی طبیعی در حد تخریب‌ها نیست و در نتیجه، فرآیند تخریب محیط به‌صورت غیر قابل بازگشتی در حال پیشروی است (صالحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۳). به همین دلیل، کشورها برای کاهش تخریب و مدیریت منابع، توافق‌نامه‌هایی را از ابتدای قرن نوزدهم در این زمینه منعقد کردند؛ ازجمله؛ کمیسیون رودخانه راین و کمیسیون رودخانه دانوب که این توافق‌نامه‌ها اکنون عمیقاً در سیاست‌های زیست‌محیطی دخالت دارند و در ابتدای کار حیات خود را به‌صورت تنظیم ترتیباتی برای تسهیل استفاده اقتصادی از این رودخانه‌ها به‌عنوان راه‌های آبی، شروع کردند (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۶). پس از آن، نخستین گام‌ها در این زمینه را می‌توان به تلاش‌های مجمع عمومی سازمان ملل در قرن بیستم، در تشکیل یک کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در شهر استکهلم سوئد اشاره کرد که در آن ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور و نزدیک به همین تعداد نمایندگان از سازمان‌های بین‌المللی و ۷۰۰ نفر ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان غیر دولتی و ۱۵۰۰ خبرنگار شرکت داشتند و سند‌های مهمی ازجمله؛ اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در ۲۶ اصل در جهت حفظ محیط زیست و یک برنامه با دستورالعملی مشتمل بر ۱۰۹ توصیه برای تعهدات هماهنگ برای مقابله با مشکلات محیط زیستی ازجمله دستاوردهای این کنفرانس تدوین شد (سیمبر، شاه مختار و آشوری، ۱۳۹۲). این کنفرانس، نقطه شروع اولین

سازوکار هماهنگ جهانی برای حفاظت از محیط زیست، برنامه محیط زیست سازمان ملل بود. در این دوره بود که شرکت‌کنندگان گفتمان‌های خود را صریحاً در خصوص سلامتی انسان و یا سلامتی و پویایی محیط زیست و اکوسیستم گره زدند. شاید بتوان گفت که یکی از نقاط عطف مهم در مدیریت جهانی محیط زیست، انتشار گزارش براتلند در سال ۱۹۸۷ محسوب می‌شود. در این گزارش یک الگوی جدید از توسعه ارائه می‌گردد که بیان می‌کند ما نمی‌توانیم به سادگی به روش حاضر و روال موجود در دنیا جلو برویم که در آن منابع محیط زیستی عملاً مورد سوءاستفاده بشریت در خیلی از جاهای دنیا می‌شود. ما به طرح مدبرانه تاب‌آوری در منابع محیط زیستی نیازمند هستیم که در آن الگوی توسعه پایدار اجرایی شود. نقطه عطف مهم دیگر، اجلاس سران در سال ۱۹۹۲ بود که نتیجه مهم آن تأکید شناختی بر دو موضوع مهم محیط زیست، یعنی احیای تنوع زیستی و تغییرات سریع آب‌وهوایی بود. نقطه عطف دیگر در این زمینه، اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی بود که در سال ۲۰۰۲ برگزار گردید. هدف آن ارتقاء مشارکت کشورها و سایر کنش‌گران محیط زیستی و ایجاد نظم مربوط به آن بود. در این مسیر سعی شد تا تعامل فعالان محیط زیستی با کشورها و حاکمیت‌های ملی تقویت شود. در این میان توافق پاریس در سال ۲۰۱۵، ترجمان اجماع در میان تعدادی از کشورها محسوب می‌شد که برای حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب بیشتر آن با هم به توافق رسیدند. مقرر شد تا برای کاهش سطح گرمایش زمین تا دو درجه سانتیگراد باید کاری انجام شود (سیمپر و مالکی، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۸).

در کنار این سازمان‌های دولتی، سازمان و گروه‌های غیر دولتی، به‌ویژه جنبش‌های اجتماعی نیز شکل گرفتند که نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده‌اند. این جنبش‌ها که اکثراً در دهه ۶۰ میلادی در غرب و آمریکا ایجاد شدند، نقش مهمی در ایجاد آگاهی بخشی در زمینه مخاطرات محیط زیستی ایفا کرده و توانسته‌اند دولت‌هایشان را

و ادار به بازاندیشی در سیاست‌های محیط زیستی و صنعتی خود کنند. این جنبش‌های جدید اجتماعی با فعالیت در حوزه جامعه مدنی، نوآوری و ابتکاراتی در این زمینه ایجاد کرده‌اند؛ از جمله با ایجاد تظاهرات و میتینگ و لابی‌گری موفق شده‌اند به عنوان یک گروه مطرح و مؤثر در جامعه، سیاست دولت‌های خود را مورد نقد قرار داده و تجربیات خود را به ساختارهای تصمیم‌گیری انتقال دهند و هم‌اکنون نیز در برخی از کشورهای غربی مانند آلمان به عنوان حزبی سیاسی در حال فعالیت هستند و کرسی‌هایی در مجالس نمایندگی این کشور به دست آورده‌اند.

در ایران نیز با گسترش شیوه و سبک زندگی غربی، گسترش شهرنشینی و مهاجرت گسترده به شهرها و نیز تأسیس کارخانه‌های متعدد، به مرور، مسائل و مشکلات زیست‌محیطی گسترده‌ای به وجود آمده است. از جمله؛ آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی آب، خشکسالی‌های پی‌درپی و... و نیز با توجه به ماهیت تک‌محصولی اقتصاد ایران و وابستگی شدید آن به نفت، بر عمق این بحران‌ها افزوده شده است. همین امر باعث شده که گروه‌های مختلفی از مردم عادی تا گروه‌های تحصیل‌کرده جامعه، مسائل زیست‌محیطی را در کانون توجه خود قرار داده و از طرق مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام، شبکه ایکس، در پی ایجاد آگاهی‌بخشی در مورد گسترده‌گی و حساسیت مسائل و مشکلات محیط زیستی هستند. این گروه‌ها و جنبش‌ها که از زمان پهلوی‌ها، به‌ویژه پهلوی دوم پا به عرصه وجود گذاشتند و با وقوع انقلاب ایران توانستند به صورت کج‌دار و مریز به بقاء خود ادامه دهند؛ به‌ویژه در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، نقش عمده‌ای را در مسأله‌مند کردن مسائل محیط زیستی برای هیأت حاکمه و جامعه سیاسی بازی کردند. مهم‌ترین این گروه‌ها حزب سبز ایران و جبهه ملی سبز ایران بودند و امروزه هم گروه‌های متفاوت محیط زیستی با نام‌های متفاوتی از جمله حرمت حیات (تأسیس: ۱۳۹۲)، انجمن نفس (تأسیس: ۱۳۹۳)، دوستداران آوای طبیعت (تأسیس: ۱۳۹۲) و.. در حال فعالیت هستند

(wasteengineering, 2021). اما با وجود گستردگی این گروه‌های محیط زیستی و نقش و اهمیت آن‌ها در آگاهی بخشی محیط زیستی، برخلاف همتایان غربی آن‌ها، هنوز به جنبش گسترده زیست محیطی نهادمندی تبدیل نشده‌اند؛ لذا سؤال اصلی مقاله این است که: عوامل و موانع اصلی جنبش‌های محیط زیست در ایران چه می‌باشد؟ برای پاسخ به این پرسش، فرضیه زیر بررسی می‌شود: به دلیل نبود فضا و فرصت سیاسی مناسب، جنبش‌های محیط زیستی در ایران در مراحل اولیه تکامل باقی مانده‌اند. این پژوهش به روش کیفی (اسنادی) و با استفاده از "نظریه فرصت سیاسی" سیدنی تاروم مک‌آدام با هدف بررسی علل عدم نهادینگی جنبش محیط زیستی در ایران انجام شده و اطلاعات لازم را با شیوه تحلیل محتوای کتب، مقالات و منابع اینترنتی موجود جمع‌آوری کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های علمی در زمینه جنبش‌های محیط زیستی در ایران اندک هستند؛ به‌ویژه در زمینه نقش ساختارهای سیاسی در تکامل و نهادینه‌شدن جنبش‌های محیط زیستی. در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌های جنبش‌های محیط زیست در ایران اشاره خواهد شد.

افراسیابی (۲۰۰۳) در مقاله «جنبش‌های محیط زیستی در ایران: چشم‌اندازهایی از بالا به پایین»، تلاش کرده است تا تغییر و تحول جنبش‌های محیط زیستی را در ایران در دوره اصلاحات مورد بررسی قرار دهد. از دید افراسیابی، جنبش‌های محیط زیستی در ایران، دو بعد بالا و پایین دارد که ویژگی خاصی به آن بخشیده است.

سیمین فدایی (۲۰۱۲)، در مقاله «جنبش‌های محیط زیستی در ایران»، جنبش‌های محیط زیستی را به‌عنوان جنبشی مهم برای تغییر اجتماعی معرفی می‌کند. خانم فدایی در مقلله خود تلاش دارد تا با به‌کارگیری نقادانه چهارچوب نظری جنبش‌های اجتماعی

جدید و استفاده از مفاهیم مطرح شده توسط آلن تورن و آلبرتو ملوچی، جنبش‌های محیط زیستی را در ایران توضیح دهد. وی مدعی است که مفروضات اروپا محور نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید را در ارتباط با ایران مورد سؤال قرار داده است.

سید بهزاد لسانی و دیگران (۱۳۹۹)، در مقاله «راهکارهای حفاظت از محیط زیست در فعالیتهای اقتصادی ایران»، به بررسی نقش فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه نقش بنگاه‌های دولتی در تخریب محیط زیست و تغییر کاربری محیط زیست برای تأمین منافع اقتصادی کوتاه‌مدت خود می‌پردازد.

ایمانوئل کاراگینز (۲۰۲۴)، در مقاله «ظهور محیط زیست‌گرایی در جهان شیعه: شواهدی از ایران، لبنان و یمن»، به بررسی مقایسه‌ای مسئله محیط زیست‌گرایی در گفتمان سیاسی چهار کشور فوق می‌پردازد. در قسمت ایران، نویسنده ابتدا به اهمیت مسئله محیط زیست در قانون اساسی ایران به‌ویژه اصل ۵۰ آن، که حفظ محیط زیست را وظیفه‌ای همگانی می‌داند، می‌پردازد و سپس به برنامه‌های توسعه در ایران و اهمیت محیط زیست در این برنامه‌ها اشاره می‌کند.

محمد مهدی رضوانی فر (۱۳۹۸)، در کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری محیط زیستی در نظام حقوقی ایران»، به جایگاه اخلاقی، سیاسی و حقوقی محیط زیست در نظام حقوقی ج.ا.ا پرداخته است، اما به مسئله جنبش‌های محیط زیستی و جایگاه سیاسی آن‌ها نپرداخته است.

جواد امین منصور (۱۴۰۰)، در کتاب «توسعه پایدار و محیط زیست در سیاست خارجی ایران»، به بررسی نقش و جایگاه محیط زیست در گفتمان سیاست خارجی ج.ا. و نقش آن در ارتباط اقتصاد سیاسی ج.ا. در ارتباط با کشورهای دیگر می‌پردازد. مصطفی تقی زاده انصاری (۱۴۰۱)، در کتاب «حقوق محیط زیست در ایران»، به بررسی جایگاه مسئله محیط زیست در نظام حقوقی ایران می‌پردازد و اظهار می‌کند که

ماده‌های حقوقی برای حمایت از محیط زیست در ایران وجود دارد، اما در عمل اجرا نمی‌شود.

سیمین فدایی (۲۰۱۲)، در کتاب «جنبش‌های اجتماعی در ایران: محیط زیست‌گرایی و جامعه مدنی»، به مقایسه جنبش‌های اجتماعی، به‌ویژه محیط زیست در کشورهای مختلف پرداخته و سپس به بررسی جنبش‌های محیط زیست در دوره بعد از انقلاب می‌پردازد. او معتقد است که جنبش‌های محیط زیست در ایران، از برخی جنبه‌ها، تداوم جنبش‌های گذشته است. همچنین به بررسی اهمیت نقش زنان در این جنبش‌ها و اهمیت جنبش‌های اجتماعی در جامعه مدنی و نقش آن‌ها در تغییر اجتماعی می‌پردازد. بنابراین، نوآوری این پژوهش در مقایسه با موارد اشاره‌شده، این است که تلاش می‌کند علل عدم تکامل جنبش‌های محیط زیستی را در ایران با استفاده از نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک تارو به‌صورت جزئی مورد بررسی قرار دهد.

۳. روش تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی علل عدم نهادینگی جنبش‌های محیط زیستی با استفاده از نظریه فرصت سیاسی است. برای این منظور، روش تحلیل کیفی (اسنادی) و استراتژی، تحلیل محتوای اسناد تولید شده در این زمینه است. در روش تحقیق کیفی، هدف شناسایی، طبقه‌بندی و استخراج مفاهیم براساس مطالعه متون یا مبتنی بر دیدگاه خبرگان است. بنابراین ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در روش تحقیق کیفی مصاحبه یا مطالعات اسنادی است. بسته به نوع تحقیق باید از ابزارهای مناسب استفاده کرد (کاظم‌پور و ابوالفتحی، ۱۴۰۳: ۹۵). روش پژوهش اسنادی هم به منزله روشی تام و تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنش‌گران، پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد گردآوری و محتوای آن‌ها تحلیل می‌کند.

درواقع، روش اسنادی، تحلیل آن دسته از اسنادی می‌باشد که شامل اطلاعات دربارهٔ پدیده‌هایی است که قصد مطالعهٔ آن‌ها را داریم (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴: ۶۳). این تحقیق نیز با استفاده از روش اسنادی، از مقالات و داده‌های موجود، از جمله مقالات انگلیسی و فارسی و سایر منابع در این زمینه استفاده و اطلاعات موجود را گردآوری کرده و پس از بررسی آن‌ها در زمینهٔ انطباق با موضوع مورد نظر، به تحلیل آن‌ها پرداخته و پس از اطمینان از صحت و سقم آن‌ها، داده‌های آن‌ها را استفاده کرده است.

اعتبار تحقیق همچون سایر پژوهش‌های کیفی از طریق قابلیت اعتبار و اطمینان‌پذیری انجام گرفته است. به این صورت که در تحقیق حاضر داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مورد نظر، به‌دقت مورد بررسی و پس از اطمینان از صحت آن‌ها مورد استفاده قرار گرفتند.

۴. چهارچوب نظری

ترکیب ساختار «فرصت سیاسی» با نام «پیتر ایزنگرو» و اثرش دربارهٔ «اعتراض شهری در ایالات متحده» وارد قاموس سیاست و ادبیات جنبش‌های اجتماعی اعتراضی شد. به نظر او عناصر و مؤلفه‌های محیط سیاسی، عناصر ساختار فرصت سیاسی هستند که به روش‌های مختلف یا مانع شهروندان برای تعقیب اهدافی، معین می‌گردد یا فعالیت آن‌ها را تسهیل می‌نمایند. این ساختارهای فرصت یا به شرکت‌کنندگان در رفتارهای جمعی کمک می‌کنند تا با دستیابی به اهداف خود کامیاب شوند یا اینکه موانعی را در مقابل آن‌ها قرار می‌دهد و ناکامی آن‌ها را رقم می‌زند. به‌طور خلاصه، عامل محیط سیاسی یا محدودیت‌های معینی بر فعالیت سیاسی جنبش‌ها تحمیل می‌کند یا راه‌هایی را به روی آن‌ها می‌گشاید (Eisinger, 1973: 42).

کوپمان معتقد است ایده کانونی این رهیافت این است که عامل ساختار فرصت هم در تعیین سطح رفتارهای اعتراضی و هم اشکال گوناگون آن در بین گروه‌های اجتماعی و دوره‌های مختلف تاریخی عنصری مهم به‌شمار می‌رود. مفهوم فرصت، به محدودیت‌ها، امکانات و تهدیدهایی اشاره دارد که خارج از گروه‌های بسیج‌گر به وجود می‌آید؛ ولی بر شانس و امکان بسیج‌کنندگان آن و نحوه درک منافع جمعی‌اش تأثیر می‌گذارد (Koopman, 1992: 22).

کلیدی‌ترین موضوع در چشم‌انداز ساختار فرصت سیاسی این نکته است که انتظار و دورنمای فعالان جنبش‌های اجتماعی اعتراضی، برای طرح و بیان مطالبات معین، بسیج هواداران و تأثیرگذاری برای آنان کاملاً زمینه پرورده است، در نتیجه تحلیل‌گران با پذیرش این پیش‌فرض که عوامل بیرون از جنبش‌های اجتماعی، چشم‌اندازهای جنبش‌ها برای:

- ۱- بسیج اعضا و هواداران؛
 - ۲- طرح خواسته‌های معین؛
 - ۳- ایجاد و گسترش نوع خاصی از اتحادها؛
 - ۴- به‌کارگیری راهبردها و تاکتیک‌های مشخص؛
 - ۵- تحت تأثیر قرارداد جریانی اصلی و نهاده، سیاست‌گذاری را توسعه داده یا محدود می‌کنند، توجه زیادی به نقش عوامل و متغیرهای خارج از جنبش اجتماعی بر عملکرد آن‌ها معطوف می‌کنند (Meyer, 2010: 192).
- سیدنی تارو، از اندیشمندان برجسته جنبش‌های اجتماعی، یکی از تعاریف رایج از ساختار فرصت سیاسی را ارائه نموده است. به نظر وی ساختار فرصت سیاسی عبارت است از ابعاد ثابت محیط سیاسی که با تأثیرگذاری بر انتظار و احتمال شکست یا پیروزی جنبش اجتماعی به انگیزه‌های مردم به منظور ایجاد کنش جمعی شکل می‌دهد

(Bengtsson, 2015: 45). به نظر تارو ممکن است چهار تغییر برجسته در ساختارهای

فرصت بر عملکرد جنبش و نتایج آن تأثیر بگذارد. این عوامل عبارت‌اند از:

۱- افزایش دسترسی به مجاری مشارکت؛

۲- بی‌ثباتی اتحادهای سیاسی؛ بی‌ثباتی سیاسی امکان کنش جمعی را افزایش می‌دهد و موجب عدم اطمینان هواداران و حامیان نظام سیاسی می‌شود و مخالفان را ترغیب می‌کند به میزانی از قدرت دست یابند و آن را اعمال کنند و نخبگان سیاسی را نیز تشویق می‌کنند برای کسب حمایت از بیرون و از میان اعضا و هواداران جنبش با یکدیگر رقابت نمایند.

۳- دسترسی به متحدین نافذ و مؤثر؛ این دسترسی سطح قدرت سیاسی شرکت‌کنندگان را در پویش جمعی ارتقاء می‌بخشد؛ زیرا نخبگان سیاسی با در دست داشتن قدرت، پیگیری برخی خواسته‌ها را در دستور کار قرار و آگاهی سیاسی را افزایش می‌دهند.

۴- شکاف درون نخبگان سیاسی، به نظر او وقتی دسترسی به سیستم سیاسی حتی به‌طور نسبی باز باشد، مردم انگیزه بیشتری برای انجام عمل پیدا می‌کنند. بدین مفهوم که مردم منطقه‌ای معمولاً وقتی که سیستم سیاسی بسته باشد، به مخالفین نیرومند خود حمله نمی‌کنند، اما در دستیابی به قدرت از راه نزدیکی به طیفی از نخبگان چنین انگیزه‌ای می‌بخشد (Bengtsson, 2015: 63).

ازجمله اولین تعاریفی که از ساختار فرصت سیاسی صورت گرفته، به بیان تغییراتی توجه دارد که می‌توانند سبب گشایش‌های ناگهانی در نظام شوند. به بیان مک آدام: «هر واقعه یا فرآیند اجتماعی گسترده‌ای که محاسبات و فرض‌های سامان‌بخش یک نظام سیاسی را تضعیف کند، تغییری را در فرصت سیاسی ایجاد می‌نماید» (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۹: ۸۳). مک آدام برای مؤلفه‌های ساختار فرصت سیاسی به ابعاد ذیل اشاره می‌کند:

۱- بازبودن نسبی یا انسداد و بسته‌بودن سیستم سیاسی مستقر، منظور از این عناصر عبارت از وجود قواعد، انتظامات و دیگر اشکال نهادهای رسمی که از طریق نمایندگان مستقیم و یا غیر مستقیم مثل مشاوره، لابی کردن و غیره درباره دسترسی به حوزه سیاسی تصمیم‌گیری می‌کنند و باز یا بسته‌بودن سیستم سیاسی شامل نظام انتخاباتی و بازبودن مجاری تصمیم‌گیری عمومی نیز می‌شود. به بیان دیگر بازبودن سیستم سیاسی بدین معنی است که مردم حتی به مقدار جزئی به شکلی از انتخابات یا دیگر نهادهایی که امکان دستیابی به سطحی از قدرت سیاسی را ممکن کند، دسترسی داشته باشند یا به معنی پاسخ‌گو بودن سیستم سیاسی در قبال انتخاب بخش‌های مختلف مردم و امکان داشتن گروه‌های مختلف مردم برای اعمال نفوذ بر تصمیم‌گیری‌های حکومت، نمایندگی رسمی، روش‌های تضمین پاسخ‌گو کردن حکومت و توانایی تأثیرگذاری بر اینکه چگونه نمایندگان عمل می‌کنند، می‌باشند. بنابراین این دسترسی به مجاری و کانال‌های مشارکت یکی از انگیزه‌های مهم برای بروز کنش جمعی است.

۲- ثبات یا بی‌ثباتی در بین مجموعه گسترده اتحادهای نخبگان که مشخصاً سیاست را تعیین و تقویت می‌کنند.

۳- وجود یا فقدان متحدان نخبگان

۴- ظرفیت، قدرت یا تمایل طبیعی دولت به سرکوب (شفیعی سیف آبادی و دولت آبادی ۱۴۰۰: ۱۴۳-۱۴۱).



شکل ۱. مدل مفهومی نظریه ساختار فرصت سیاسی و عوامل تغییر در جایگاه جنبش‌ها براساس

نظریه مک آدام

منبع: (روشن چشم و دیگران، ۱۳۹۷: ۷)

محیط زیست‌گرایی جنبشی از شهروندان مسؤول در رابطه با بهبود، حفظ و ایجاد یک محیط زیست پایدار و سالم است. محیط زیست‌گرایی در اروپا در اوایل ۱۸۰۰ میلادی از طریق ایدئولوژی رمانتیسیم به وجود آمد که بر اهمیت طبیعت تأکید می‌کرد و از مردم می‌خواست که زیبایی‌های طبیعت را پاس بدارند و با گذشت زمان و شکل‌گیری انقلاب صنعتی جنبش‌های محیط زیستی شروع به شکل‌گیری کردند و در قرن بیستم با انتشار کتاب بهار خاموش راشل کارسون که تأثیر مخرب حشره‌کش‌های DDT را بر طبیعت هشدار می‌داد (Abhyuday, 2022: 1)، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیستی در آمریکا و اروپا بر جای گذاشت و به‌مرور گروه‌های محیط زیستی گسترده‌ای در آمریکا و اروپا و جهان سوم با اندیشه حفاظت از محیط زیست و

به‌عنوان واکنشی در برابر کارکردهای خود ویران‌گر جوامع غربی و در پاسخ به آگاهی‌های روزافزون محیط زیستی شکل گرفتند. ازجمله این جنبش‌ها می‌توان به صلح سبز، اول زمین و عدالت محیط زیستی، جنبش شورش علیه انقراض و ... اشاره کرد. مهم‌ترین اصول محیط زیست‌گرایان به قرار زیر است:

۱. احترام به زمین، زندگی و تنوع حاضر در آن؛
۲. مراقبت از جوامع، با درک، عشق و شفقت؛
۳. ایجاد جوامعی دمکراتیک که برابر، مشارکتی، پایدار و صلح‌جو هستند؛
۴. تضمین زیبایی و بخشاینده‌گی زمین (به لحاظ منابع) برای نسل‌های حاضر و آینده (Abhyuday, 2022: 3).

امروزه جنبش‌های محیط زیستی وارد عرصه سیاسی شده‌اند و با ایجاد احزاب سبز مدرن در کشورهای غربی و یا به شکل لابی‌های سیاسی، نقش مهمی در ساختار سیاسی این کشورها ایفا می‌کنند. این احزاب در آلمان، اتریش، ایرلند، بلژیک و لوکزامبورگ است که تصویب قوانین مهم محیط زیستی را در مجالس این کشورها رهبری می‌کنند؛ مانند تصویب برنامه‌هایی برای کربن‌زدایی در مناطق مسکونی در آلمان (www.eiu.com, 2023). بنابراین رشد و گسترش جنبش‌های محیط زیستی و مشارکت آن‌ها در ساختار سیاسی کشورها نشان می‌دهد که نظریه فرصت سیاسی می‌تواند به‌خوبی علل نهادینگی و عدم نهادینگی آن‌ها را در کشورهای مختلف از توسعه‌یافته تا درحال توسعه از جمله ایران توضیح دهد.

۵. مراحل شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیست در ایران

۵-۱ مرحله ظهور (emergence)

ظهور به‌عنوان اولین مرحله از جنبش اجتماعی، وقتی است که مشکلات برای اولین بار به وجود می‌آیند. این مرحله به یک دوره زحانی اشاره دارد که یک نارضایتی

سازمان‌نیافته توسط چند نفر افزایش می‌یابد. بسیاری از حامیان محیط زیست شروع به انتقاد از سیاست‌های محیط زیستی دولت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، انتقاد گروه‌های محیط زیستی به‌ویژه محققان محیط زیست نسبت به سیاست‌های سدسازی دولت در سال‌های اخیر و هشدار آن‌ها نسبت به عواقب بلندمدت این سیاست‌ها بر محیط زیست. متخصصان بیان می‌دارند: «ما کنفرانس‌های متعددی برای آگاهی‌دادن به سیاست‌گذاران در مورد شیوه‌های غیر عقلانی و غیر کارشناسی انتقال آب و سدسازی تشکیل می‌دهیم. این کنفرانس‌ها به ما کمک می‌کنند که مشکلات ناشی از سدسازی و انتقال آب را از یک دیدگاه علمی بررسی کنیم. علاوه‌براین، مقالات زیادی در رابطه با خشک‌شدن قنات‌ها و چشمه‌های زیر زمینی، خشکسالی از نتایج احتمالی سدسازی منتشر شده است. همچنین کارشناسان محیط زیست در رابطه با تأثیرات اجتماعی این سیاست‌ها ازجمله سلب حق آب مردم، خشک‌شدن زمین‌های کشاورزی، افزایش بیکاری و درگیرهای قومی و محلی هشدار داده‌اند». بنابراین، برای اولین مرحله - ظهور - مسائل محیط زیستی و اجتماعی ناشی از این سیاست‌ها توسط مشارکت‌کنندگان در جنبش تشخیص داده‌شده طی این سال‌ها و گروه‌های مختلف محیط زیستی با ایجاد گروه‌های هم‌فکر خود در محیط‌های اکادمیک و در برخی مواقع در جامعه، هشدارها و نگرانی‌های خود را در زمینه مسائل محیط زیستی ابراز می‌دارند و از طریق ظهور خود را نشان می‌دهند.

۲-۵ مرحله ائتلاف (Coalescence)

در مرحله ائتلاف، اعضاء جنبش اجتماعی تلاش می‌کنند تا با هم جهت‌یافتن‌های راه‌حل‌هایی برای مشکلات موجود محیط زیستی همکاری کنند. در این مرحله، مشارکت‌کنندگان تلاش می‌کنند که به جامعه نشان دهند که مشکل موجود، یک مسأله اجتماعی است. آن‌ها می‌توانند راه‌حل‌هایی را برای مشکل پیدا و مردم را برای

فعالیت‌های جمعی به منظور مشارکت در کنش‌های جمعی، بسیج کنند (Christiansen, 2022: 4). این مرحله از طریق استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی شناخته می‌شود که افراد برای دستیابی به کنش جمعی سازمان داده‌شده استفاده می‌کنند. فعالان جنبش، استراتژی‌های زیادی را برای نشان دادن مخالفت خود با سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی دولت نشان می‌دهند؛ از جمله، استفاده از کانال‌های تلگرامی برای ایجاد بحث‌های گروه‌های آنلاین، تسهیل اقدامات جمعی، شیرکردن اطلاعات با دیگران و افزایش آگاهی عمومی در مورد مشکلات و مسائل محیط زیستی. اینترنت و دیگر شبکه‌های اجتماعی مهم‌ترین ابزار گروه‌های محیط زیستی برای شیرکردن گزارش‌ها و بحث‌های حامیان جنبش‌های محیط زیستی با مردم است. استراتژی دیگری که جنبش‌های محیط زیستی در ایران ممکن است استفاده کنند، ایجاد درخواست‌های جمعی و نامه‌نوشتن به رهبر جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور، وزارت انرژی، مجلس و دیگر مقامات برای متوقف کردن پروژه‌های مخرب محیط زیستی است. آخرین کنش جمعی که جنبش‌های محیط زیستی در ایران ممکن است در این مرحله استفاده کنند، تظاهرات و اعتراضات خیابانی در مقایسه کوچک است. برای مثال، حامیان زیست‌گاه میانکاله در شمال ایران، تظاهراتی را در مقابل استانداری‌ها در استان‌های شمالی و مقابل مجلس در تهران سازمان داده بودند. مرحله ائتلاف با آنچه محققان جنبش‌های اجتماعی استدلال می‌کنند که مرحله دوم این جنبش‌ها است، یعنی مرحله گرد هم آمدن برای کنش جمعی و بسیج کردن گروه‌های مختلف اجتماعی پیرامون مسائل زیست‌محیطی، کاملاً سازگار است.

۳-۵ مرحله نهادینگی (Institutionalization)

در مرحله نهادینه شدن، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های رسمی و غیر رسمی را اغلب با مدیریت و پرداخت حق عضویت شکل می‌دهند. در این مرحله جنبش‌های

اجتماعی موفقیت‌هایی در زمینه افزایش آگاهی‌ها به اندازه‌ای که یک استراتژی هماهنگ‌شده، که در تمام جنبش‌های ضروری است، داشته‌اند. بسیاری از جنبش‌های اجتماعی از این طریق نمی‌توانند بروکراتیزه شوند و درنهایت از بین می‌روند؛ زیرا حفظ هیجانات احساسی لازم برای اعضاء دشوار است و به همین خاطر بسیج مستمر برای مشارکت‌کنندگان بیش از حد نیاز است (Christiansen, 2022: 3).

نهادینه‌شدن وقتی وجود دارد که جنبش‌های اجتماعی قدرت سیاسی به دست آورده‌اند و با نخبگان سیاسی ارتباط پیدا کرده‌اند و ائتلاف‌ها و سازمان‌هایی را شکل می‌دهند. این مرحله برای تداوم فعالیت‌ها و بسیج گروه لازم است (McAdam and Scott, 2011:25 ; McCarthy and Zald, 2008). بنابراین، به‌مرور، جنبش، سیاست‌گذاری را تغییر می‌دهد و یا تغییرات اجتماعی را در رابطه با فعالیت‌های سازمانی به همراه می‌آورد (Johnson, 2010: 980). در این مرحله از جنبش‌های اجتماعی، نویسندگان بر سازمان‌های رسمی و غیر رسمی تأکید می‌کنند (Staggenborg, 1991). در این مرحله جنبش‌ها و گروه‌های محیط زیستی تلاش زیادی داشته‌اند که شبکه‌ها و سازمان‌هایی برای بسط نفوذ خود در جامعه و عرصه سیاست تشکیل دهند و حتی تلاش داشته‌اند که براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که شکل‌گیری نهادهای مدنی را تشویق کرده است، توجیه کنند، اما در عالم اجرا قانون شکل دیگری پیدا می‌کند که مانع از نهادپذیری و انتقال نهادهای مدنی به مرحله بلوغ می‌شود. در ادامه تلاش می‌شود که علل اصلی این نقص براساس نظریه فرصت سیاسی بیشتر تشریح شود.

۶. عوامل عدم تکامل یافتگی جنبش‌های محیط زیستی در ایران براساس نظریه فرصت سیاسی

۶-۱ اتحاد نخبگان حاکم

بر مبنای نظریه آدام و تارو، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر پیروزی، شکست یا نهادینه شدن جنبش‌ها، میزان اختلاف یا ائتلافی است که در میان نخبگان حاکم بر یک کشور وجود دارد (شفیعی سیف آبادی و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۴). بررسی تحولات پس از انقلاب اسلامی در ایران نشان می‌دهد که جناح‌های قدرت در بدنه حاکمیت در ایران با ایجاد یک جبهه ائتلافی قدرتمند- هر چند اختلافاتی در زمینه نحوه مدیریت جامعه و نحوه اجرای سیاست‌ها دارند- اما همه جناح‌ها بر حفظ کلیت جمهوری اسلامی ایران توافق نظر دارند و این باعث شده است که با گذشت ۴ دهه از عمر جمهوری اسلامی، نخبگان آن در شرایط بحرانی و در مواجهه با جنبش‌های اعتراضی از جمله جنبش‌های محیط زیستی ثبات خود را نشان داده‌اند (جلالی و غلامی، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

۶-۲ دسترسی به متحدان سیاسی نافذ

قسمت دوم نظریه فرصت سیاسی به این امر می‌پردازد که برای موفقیت و نهادینه شدن یک گروه سیاسی، دسترسی به متحدین سیاسی پر نفوذ و پیدا کردن حامیانی در بدنه قدرت ضروری است. واقعیت این است که بیشتر حامیان گروه‌های محیط زیستی، بیشتر در میان نسل جوان و گروه‌های تحصیل کرده در جامعه یافت می‌شود و عمده فعالیت‌های آنان در فضاهای آکادمیک و فضای مجازی است و توانایی دسترسی به طیف گسترده‌ای از جامعه، به سیاست‌مداران برای مذاکره و گفت‌وگو جهت تشکیل شبکه‌های نفوذ در سیاست را ندارند. در نتیجه بیشتر حامیان نافذ جنبش‌های محیط زیستی، گروه‌های دیگر در کشورهای دیگر هستند که اهداف خود را با حامیان

محیط زیست ایران یکی می‌پندارند. بنابراین حیطة نفوذ حامیان شبکه‌های محیط زیستی در ایران، گروه‌های کوچکی از افراد تحصیل کرده و محدود شده در فضاهای دانشگاهی و شبکه‌های حامی آن‌ها در فضای مجازی که عمدتاً در کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند، می‌باشد (کاظم پور، ابوالفتحی و اخوان کاظمی، ۱۴۰۱: ۱۵۵).

۳-۶ عدم دسترسی به مجاری مشارکت سیاسی

مطابق مدل مفهومی سیدنی تارو و مک آدام، معارضین و گروه‌های مختلف (ازجمله، گروه‌های محیط زیستی به شکل حزب سیاسی یا لابی‌گر) هرچقدر بتوانند دسترسی به مشارکت سیاسی آزادانه داشته باشند و در بدنه نظام سیاسی وارد شوند، در رویایی با نظام سیاسی بهتر عمل می‌کنند. بررسی تحولات سیاسی و تاریخ سیاسی ایران نشان می‌دهد که دسترسی گروه‌های مدنی به حوزه قدرت با موانع زیادی روبه‌رو بوده است. ورود گروه‌های محیط زیستی به حوزه سیاست به شکل احزاب یا گروه‌های نفوذ مستلزم پشت سر گذاشتن موانعی است که منجر به تلف شدن انرژی‌ها برای پیگیری خواسته‌ها شده است. اگرچه در اصل پنجاهم قانون اساسی ایران حفظ محیط زیست یک وظیفه همگانی تلقی شده است و همه فعالیت‌های اقتصادی و ... را که ممکن است به آسیب جبران‌ناپذیری به محیط زیست منجر شود، ممنوع کرده است (Afrasiabi, 2003: 432) و حتی از برنامه سوم توسعه، واژه سازمان‌های غیر دولتی و جلب مشارکت نهادهای مدنی در امور توسعه کشور وارد نظام برنامه‌ریزی ایران شده است و برنامه چهارم نیز به دلیل جلب مشارکت مردم به منظور حفظ محیط و توسعه پایدار کشور، بر محور آموزش همگانی محیط زیست (به صورت رسمی و غیر رسمی) استوار گردیده است (غازی و ملایی، ۱۳۹۵: ۳۴). قانون‌گذاری در قوانین مختلف به تناسب موضوع ضمن توجه به اصل کلی مشارکت، در جهت تحقق زمینه‌های یک مشارکت مفید بیشتر به بحث «لزوم آگاهی‌رسانی و آموزش‌دهی» پرداخته است، اما در هیچ‌جا حق مشارکت

مردم و نهادهای غیر دولتی را در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی مورد توجه قرار نداده است (مهدوی و علی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۰) و این باعث شده است که گروه‌های محیط زیستی در حوزه سیاست کشور، نتوانند به‌طور مستقل عمل کنند و مجبورند در وضعیتی از مذاکره و اجتناب از برخورد سیاسی مستقیم با دولت (Foltz, 2004) قرار بگیرند. آن‌ها مجبور هستند که از «سیاست غیر سیاسی شده و سانسور خود-تحمیلی» پیروی کنند (Fadaee, 2012: ۹۰). همان‌طور که دورتی و دیویلی به‌درستی می‌گویند، در ایران، سازمان‌های غیر دولتی به‌عنوان ابزاری جهت بهبود مدیریت زیست‌محیطی تشویق می‌شوند، اما آن‌ها اجازه فعالیت به‌عنوان حزبی سیاسی به شیوه‌ای که ممکن است دولت را به چالش بکشند، ندارند (Doherty & Doyle, 2018: 701). بنابراین نبود قوانین مشخص در حمایت از خواسته‌های محیط زیست‌گرایان آن‌ها با ابهامی در این زمینه روبه‌رو ساخته است. در تحقیق خانم دامغانی و همکاران در سال ۱۳۹۶، حدود ۴۱ درصد پاسخ‌گویان اعتقاد داشته‌اند که پشتوانه‌های حقوقی و قانونی در خصوص فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در کشور (برای تشویق آن‌ها به حوزه سیاست) ضعیف است (دامغانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۷). این وضعیت منجر به پراکنده شدن گروه‌های محیط زیستی و نبود اراده لازم در آن‌ها برای ایجاد یک جنبش محیط زیستی گسترده گردیده و صرفاً به ایجاد سازمان‌ها و NGO هایی به‌صورت پراکنده در سراسر کشور شده است که بیشترشان به لحاظ مالی و فعالیتی وابسته به دولت‌اند و زیر نظر نهادهای دولتی کار می‌کنند که منجر به ازدست‌رفتن ماهیت مستقل و غیر انتفاعی آن‌ها شده است (Hashemi et al, 2022: 3). به گفته یکی دیگر از فعالان محیط زیست در ایران: «ما پذیرای مشارکت سیاسی و همکاری با حکومت هستیم، اما آنچه ما نمی‌خواهیم، ازدست‌دادن استقلال خود است و ما نمی‌خواهیم حکومت ما را به‌عنوان ابزاری در جهت تأمین سیاست‌های خود در نظر بگیرد. او می‌گوید که تلاش حکومت در این است حمایت مالی و حقوقی را فقط برای آن محیط زیست‌گرایانی فراهم کند

که در راستای اهداف آن عمل می‌کنند» (Afrasiabi, 2003: 440). به همین سبب تشکل‌های محیط زیستی در کشورهای جهان سوم مانند ایران به‌عنوان فراهم‌کنندگان خدمات زیربنایی هستند- درواقع آن‌ها آب پاک، سرپناه و غذا فراهم می‌کنند- و نه مانند یک گروه لابی یا یک حزب سیاسی قدرتمند در کشورهای مرفه که در ساخت سیاسی قدرت با دولت شریک هستند (Simpson&Doyle, 2016: 760).

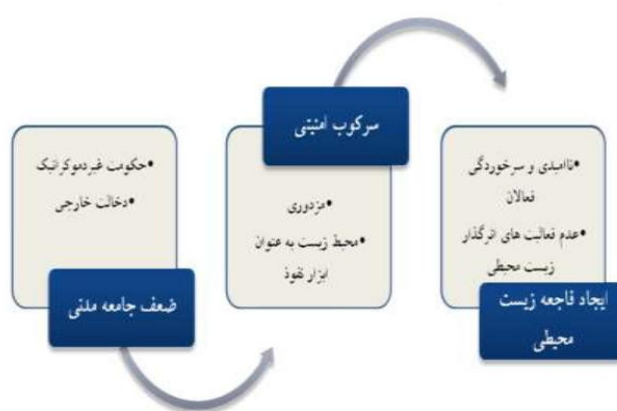
۴-۶ تمایل طبیعی دولت به سرکوب

بر مبنای نظریه مک‌آدام و سیدنی تارو، چنانچه دولت در زمینه کنترل و سرکوب مخالفین با برنامه عمل کند و در طبیعت خود، تمایل و جسارت لازم برای مقابله با آن‌ها را داشته باشد، می‌تواند در حفظ امنیت و بقا حاکمیت موفق‌تر باشد (شفیعی سیف آبادی و باقری دولت آبادی، ۱۴۰۰: ۱۵۹). شواهد حکایت از آن دارد که مدیریت حرکت‌های محیط زیستی و اجازه فعالیت محدود به آن‌ها اولویت دولت می‌باشد. نگرانی‌های محیط زیستی از دید نخبگان حاکم باید به‌صورت بسیار محدودی در یک شیوه غیر سیاسی پیگیری شوند. شیوه‌ای که فقط مسائل فنی، مانند اصلاح آلودگی و تعقیب تنوع زیستی را دربرگیرد. مسائل عدالت محیط زیستی درباره اینکه چه کسی به چه منابعی دسترسی دارد یا مشارکت عمومی در تصمیمات توسعه از دیدگاه دولت به‌عنوان مسائل محیط زیستی واقعی در نظر گرفته نمی‌شوند. به این ترتیب، مسائل سبز به‌عنوان مسائل نرم فهمیده شده است، نه چیزی که سیاست واقعی یا Realpolitik دولت را به چالش بکشد. این ممکن است از دید نخبگان حاکم به‌عنوان تهدیدی وجودی در نظر گرفته شود. به‌عنوان مثال، در اندونزی، تحت حکومت سوهارتو یا در مجارستان (جنبش دانوب آبی) قبل از سقوط پرده مخملی در اواخر ۱۹۸۰، جامعه مدنی پرقدرتی زیر پرچم سبز (محیط زیست‌گرایی) ظهور کرد و بعداً تبدیل به یک از سرسخت‌ترین حامیان تغییرات دمکراتیک شدند. در نتیجه، این گروه‌ها (در حاکمیت

جمهوری اسلامی ایران) ممکن است ابتدا به‌عنوان یک شکاف نرم در کشور ظاهر، سپس تبدیل به نیرویی چالشی شوند. به‌خاطر این تجربه‌های گذشته است که ج.ا.ایران را به در پیش گرفتن رویکرد اجازه فعالیت حرکت‌های محیط زیستی در چهارچوب سیاست‌های تعریف شده حاکمیت سیاسی کرده است و حرکت‌های چالشی‌تر این گروه‌ها را به شیوه‌های دیگر مدیریت می‌کند (Simpson & Doyle, 2016: 761-63). برای مثال در دی ماه ۱۳۹۷، نیروهای امنیتی ایران، با معترضان در قه‌دریجان در اصفهان بر سر حق آبه درگیر شدند یا در خرداد ۱۳۹۷، نیروهای امنیتی در خرمشهر تظاهرات مسالمت آمیز مردم و فعالان محیط زیست را به‌خاطر مشکلات کم‌آبی و خشکسالی ناشی از عدم مدیریت دولت، پراکنده کردند (United against nuclear Iran, 2023: 14). حتی به متخصصان و کارشناسان محیط زیست اجازه فعالیت گسترده علمی و حساس در زمینه مسائل محیط زیستی داده نمی‌شود. برای مثال در سال ۱۳۹۷ گروهی از فعالان محیط زیست خواستار توقف فعالیت‌های نظامی و ساخت پایگاه‌های نظامی در مناطق محافظت شده محیط زیستی بودند، اما دولت در دی و بهمن همان سال حدود ۱۳ نفر از متخصصان از انجام فعالیت‌های بیشتر تحقیقاتی در رابطه با مسائل حساس منع کرد (United against nuclear Iran, 2023: 16). حاکمیت تلاش دارد برخی از گروه‌های محیط زیستی مانند حزب سبز که موضع تندی داشته و اصطلاحات و دغدغه سبزه‌های غربی را اقتباس کرده، ساختار قدرت‌های موجود را به چالش بکشد و ارتباطی میان حقوق زمین، حقوق بشر و محیط زیست ایجاد و محدود کند. گروه‌هایی مانند حزب سبز که وضع موجود را به چالش می‌کشند، نامشان در وب‌سایت وزارت کشور حذف می‌شود. حزب سبز، سازمان محیط زیست ایران را به‌عنوان نمایی برای نفع بردن از ناظران بین‌المللی می‌داند. معتقد است که این سازمان فاجعه‌های محیط زیستی دولت را لاپوشانی می‌کند، اما این گروه‌ها باید به‌صورت مخفی و زیرزمینی عمل کنند یا به تبعید خودخواسته در کشورهای دیگر تن دهند. حزب سبز اکنون در ایالات

متحدۀ آمریکا فعالیت می‌کند. این گروه همچنین یک برنامه تلویزیونی ماهواره‌ای به نام «دیدگاه سبز» دارند که فیلتر کردن آن در ایران دشوار است، اما این حزب به‌ندرت کمپین‌هایی را برای اصلاحات سیاسی در فضاهای عمومی ایران برگزار کرده است (Kaboli, 2010). ترس از عواقب حقوقی و قانونی فعالیت در گروه‌های مردمی محیط زیستی غیر خودی باعث شده است که افراد و حامیان محیط زیست از فعالیت در این گروه‌ها احتیاط به خرج دهند (دامغانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹). درواقع تشکل‌هایی برای نظام سیاسی قابل تحمل است که در چهارچوب نظام سیاسی و حقوقی ج.ا فعالیت کنند؛ مانند جبهه ملی سبز ایران که توسط چهار دانشجوی پزشکی در سال ۱۳۶۹ تأسیس شد. این گروه، علی‌رغم ریشه‌های مستقلش، هیچ‌گونه چالشی برای دولت ایجاد نکرد و معتقد است که «محیط زیست باید طبق دستورات اسلامی حفظ شود و متعاقباً به حرکت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نهادی ج.ا ایمان دارد» (GFI, 2012). آن‌ها همچنین بر این باور بودند که راه‌های اعتراض به سبک و سیاق اروپایی مانند «زنجیرشدن به درختان» در ایران مؤثر نیست و به همین دلیل آن‌ها از مکانیسم‌های قانونی موجود در ج.ا برای تعقیب اهداف خود استفاده می‌کنند. بنابراین آن‌ها توسط وزارت کشور حمایت می‌شوند (Simpson & Doyle, 2016: 759). این شیوه برخورد با جنبش‌های محیط زیستی باعث کاهش ماهیت مستقل جنبش‌های محیط زیستی و کاهش ارتباط آن‌ها با شبکه‌های محیط زیستی در جهان شده است. یکی از فعالان محیط زیست در ایران بیان می‌کند که: «رابطه میان فعالان محیط زیست (NGO) ها و کارشناسان حکومت و جامعه بین‌المللی بسیار محدود است. مسأله این است که به محض اینکه کسی رابطه نزدیکی با سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌کند، نهادهای امنیتی بسیار حساس می‌شوند و اگر شما می‌خواهید کار کنید و کمپین‌های خود را گسترش دهید، آسان‌ترین راه، اجتناب از کار کردن با نهادهای بین‌المللی است. به همین خاطر گروه‌های غیر دولتی محیط زیستی در ایران به‌ندرت با سازمان‌های بین‌المللی کار

می‌کنند. درواقع شناسایی شدن به‌عنوان یک فعال سبز بین‌المللی در این گونه رژیم‌ها از دیدگاه هانتینگتون به‌عنوان راهی برای به چالش کشیدن شیوه‌های تثبیت‌شده قدرت و تقویت آرمان‌های دموکراتیک در راستای لیبرالیسم غربی دیده می‌شود» (Doyle , Simpson & 759: 2016).



شکل ۲. نحوه نگاه دولت به جنبش‌های محیط زیستی در ایران

منبع: (گل محمد زاده، اسمعیل زاده و احدی، ۱۳۹۹: ۴۱).

درواقع، نبود فضای سیاسی مناسب، باعث سلطه دولت و نگاه امنیتی بر همه عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی شده است که تمام حرکات‌های مدنی را به‌عنوان تهدید وجودی تلقی می‌کند و تلاش می‌کند که آن‌ها را مدیریت کند و جنبش‌های محیط زیستی نیز از این قاعده مستثنا نیستند (فراهانی فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

۷. نتیجه‌گیری

امروزه بحران‌های محیط زیستی باعث شده است که نهادهای رسمی و بازیگران جامعه مدنی از جمله جنبش‌های محیط زیستی در کشورهای غربی برای حل آن‌ها با یکدیگر، قرارداد اجتماعی سبز امضا کنند و این به‌خاطر وجود فضای باز سیاسی و فرهنگی کشورهای مذکور است، اما در سایر کشورها، از جمله، ایران، جنبش‌های محیط زیستی هنوز به این مرحله تکامل‌یافتگی سیاسی که بتوانند با دولت مرکزی وارد مذاکره برای اجماع بر سر اصولی جهت حل بحران‌های محیط زیستی شوند، نرسیده‌اند و این ناشی از میل و تمایل نخبگان سیاسی حاکم برای کنترل تمام جنبش و حرکت‌های مدنی در جامعه است؛ چراکه از دید آن‌ها این گروه‌ها ممکن است به جنبش اعتراضی و انقلاب سیاسی گسترده‌ای تبدیل شوند. بنابراین آن‌ها تلاش دارند تمام راه‌های نفوذ گروه‌های محیط زیستی را برای ورود به عرصه سیاسی و اجتماعی محدود کنند و با پراکنده کردن آن‌ها منجر به محدودسازی آن‌ها در حد گروه‌های کوچک علمی یا دوره‌های دوستانه شوند. به همین سبب نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک آدام می‌تواند به نحو بسیار روشنی علل عدم تکامل جنبش‌های محیط زیستی را در ایران توضیح دهد.

۷-۱ پیشنهادها و راهکارها

برای بهبود وضعیت جنبش‌های محیط زیستی در ایران، راهکارهای زیر می‌تواند کمک‌کننده باشد.

الف) مسأله‌مندی کردن محیط زیست (مصلح، ۱۴۰۰: ۱۴) در سطح ملی؛ اینک مسائل محیط زیست همچون «مسأله» در برابر ما نمایان شده است و زمان آن رسیده که تمام ساحت‌های گوناگون زیست اجتماعی و سیاسی ایرانی مسئولیت خود را در به‌وجودآمدن مشکلات محیط زیست قبول کرده و کوشش برای حل آن را بپذیرند. به

همین خاطر، تبدیل مشکلات محیط زیستی به یک مسأله ملی منجر به تقویت و جایگاه گروه‌های محیط زیستی و فعالان این عرصه شده و منجر به شناسایی جایگاه و اهمیت آن‌ها در ساحت سیاسی و گفتمان سیاسی کشور خواهد شد.

ب) اجازه‌داشتن جنبش‌های محیط زیستی برای داشتن رسانه و تربیون برای صحبت درباره نگرانی‌های محیط زیستی در میان مردم و مهم‌تر اینکه، همکاری سازمان صداوسیما با فعالان محیط زیستی برای تقویت فرهنگ محیط زیستی در میان مردم و صاحبان قدرت سیاسی. چنانچه در بند الف ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه نیز به اطلاع‌رسانی صحیح و ایجاد فرهنگ محیط زیستی در همکاری با گروه‌های محیط زیستی توسط رسانه‌های دولتی به‌ویژه صداوسیما تأکید شده است. همچنین در اصل ۶۴ قانون اساسی برنامه چهارم توسعه، سازمان صداوسیما موظف است برنامه آموزشی و ترویجی محیط زیستی را که توسط سازمان محیط زیست و گروه‌های محیط زیستی تهیه می‌شوند، پس از تأیید سازمان مذکور و فعالان محیط زیستی، در چهارچوب سیاست‌های کلی صداوسیما، اجرا و پخش نماید (همایونی مقدم، ۱۴۰۰: ۱۹).

ج) مشارکتی کردن بیشتر ساختار قدرت: حاکمیت سیاسی باید با ایجاد شرایط سیاسی مناسب، زمینه ورود گروه‌های دیگر، از جمله، گروه‌های محیط زیستی را به‌عنوان جناح سبز و یا احزاب سیاسی برای شکل‌دادن به قواعد و بازی قدرت در ایران به رسمیت بشناسد. برای مثال، اختصاص دادن کرسی‌هایی برای گروه‌های محیط زیستی در مجلس شورای اسلامی.

د) اصلاح، بازنگری و به‌روزرسانی قوانین و مقررات و سامانه‌های نظارت محیط زیست کشور: اصلاح و بازنگری و به‌روزرسانی قوانین فعلی کشور در همکاری با جامعه مدنی و بازیگران آن به‌ویژه گروه‌های محیط زیستی می‌تواند بستر و ساختار مناسبی برای ایجاد الگوهای رفتاری ثابت و تکرارشونده در مسائل محیط زیستی و سامانه‌های ناظر آن فراهم کند. به همین خاطر، این تغییرات حقوقی، به عبارتی وجود

شفافیت حقوقی و قانونی، می‌تواند ضمانت اجرایی قوی و محکمی برای شناسایی گروه‌های محیط زیستی فراهم کند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰: ۸).
ه) تغییر نگرش در میان نهادهای مستقر جمهوری اسلامی ایران نسبت به گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی، به‌ویژه محیط زیستی به‌عنوان پیشران‌های توسعه کشور و نه به‌عنوان عامل کشورهای خارجی و دشمن ارزش‌های مستقر.

فهرست منابع

- امین منصور، جواد (۱۴۰۰)، توسعه پایدار و محیط زیست در سیاست خارجی ایران، تهران: اداره نشر امور وزرات خارجه.
- بلیس، جان و اسمیت، استیو، (۱۳۸۷). جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: مؤسسه انتشارات فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۴۰۱)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت.
- جلالی، رضا و غلامی، مهدی، (۱۳۸۹)، انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و شکل‌گیری ثبات در نظام سیاسی، فصل‌نامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱۲: ۲۲۸-۱۹۹.
- دامغانی، مریم، عبدلی، غلامرضا و بهمن پور، هومن (۱۳۹۶)، بازشناسی دیدگاه کارشناسان و فعالان محیط زیست نسبت به جایگاه حقوقی و نقش سازمان مردم‌نهاد (NGO) های محیط زیستی در کشور، دوماه‌نامه پژوهش در هنر و علوم انسانی. سال دوم، شماره ۴ (پیاپی): ۲۲-۹.
- دلاپورتا، دوناتلا و ماریودانی (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر بحران‌های امنیتی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر.
- روشن چشم، حامد، اصلانی، مسعود و افراسیابی، هادی (۱۳۹۷)، فرصت‌های سیاسی و تأثیر آن در وقوع بحران‌های امنیتی بر پایه نظریه سیاسی ساختار فرصت سیاسی مک آدام. فصل‌نامه راهبرد سیاسی، سال دوم، ش ۶: ۲۸-۱.
- رضوانی فر، محمد مهدی (۱۳۹۸)، مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری محیط زیستی در نظام حقوقی ایران، تهران: نشر مجد.
- سیمبر، رضا و ملکی، آریتا (۱۳۹۸)، حکمرانی ملی و بین‌المللی محیط زیست: رویکردها، تعارض و راهکارها، فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۹، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۴: ۴۶-۷.

سیمبر، رضا، خادمی شاه مختار، ماهرخ و آشوری، سعید، (۱۳۹۲)، نقش سازمان‌های غیر دولتی در حمایت از محیط زیست، اولین همایش ملی برنامه‌ریزی حفاظت، حمایت از محیط زیست پایدار، همدان: دانشکده شهید مفتاح.

شفیعی سیف آبادی، محسن و دولت آبادی علی باقری (۱۴۰۰)، تبیین علل ناکامی داعش در عراق بر مبنای نظریه فرصت سیاسی سیدنی تارو و مک آدام، مطالعات جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۲، ۱۶۷-۱۳۳.

صالحی، صالح، فیروزجائیان، علی اصغر، غلامرضا زاده، فاطمه، (۱۳۹۳)، تحلیل گفتمان محیط زیستی ج.ا. فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۱: ۷۱-۱۱۰.

صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مطالعه موردی: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی، راهبرد فرهنگ، سال ۸، شماره ۲۹: ۹۱-۶۱.

غازی، ایران و ملایی، اعظم (۱۳۹۵)، ناپایداری زیست‌محیطی در خاورمیانه و چالش‌های سیاست‌گذاری مدیریتی و فرهنگی: مطالعه مقایسه‌ای ایران، ترکیه و عربستان، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۷: ۱۴۴-۱۲۱.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۸)، اصلاح الگوی مصرف و محیط زیست، فصل‌نامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی دوره ۹، شماره ۳۴: ۱۲۳-۹۷.

گل محمد زاده، محمد علی، اسمعیل زاده، علیرضا و احدی، پرویز، (۱۳۹۹)، زمینه‌های اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی محیط زیست‌گرایی در ایران، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۶، ش ۵۲: ۴۴-۲۵.

کاظم‌پور، لقمان و ابوالفتحی، محمد (۱۴۰۳)، واکاوی تأثیر فرهنگ سیاسی بر عدم تکامل جنبش محیط زیستی در ایران، مجله جامعه و محیط زیست. شماره اول: ۱۱۵-۹۱.

کاظم‌پور، لقمان، ابوالفتحی، محمد و اخوان کاظمی، مسعود (۱۴۰۱)، موانع شکل‌گیری جنبش‌های محیط زیستی در ایران، پایان‌نامه: دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی.

- لسانی، سید بهزاد، مشهدی، علی، حبیبی نژاد، سید احمد و حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۹)، راهکارهای حفاظت از محیط زیست در فعالیتهای اقتصادی در ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عموم، دوره ۵۰، شماره ۳: ۸۹۹-۹۲۰
- مهدوی، محمود و علی نژاد، آذر (۱۳۹۵)، دموکراسی محیط زیستی؛ رویکردهای مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط زیستی؛ مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۳، شماره ۱: ۹۳-۱۱۰.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۰)، پیشنهاد‌های سیاستی و اجرایی به دولت سیزدهم در زمینه محیط زیست، دفتر مطالعات زیربنایی.
- همایونی مقدم، فاطمه، امیر مظاهری، امیر مسعود، نصر الهی کاسمانی، اکبر و رسولی، محمدرضا (۱۴۰۰)، افزایش آگاهی محیط زیستی مخاطبان از طریق رسانه با تأکید بر تلویزیون، مطالعه موردی شهروندان تهرانی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای، ارتباطات و رسانه، دوره ۶، ش ۲، پیاپی ۲۰: ۳۶-۵.
- مصلح، پگاه (۱۴۰۰)، مسأله محیط زیست؛ اولویتی در ساحت نظریه‌پردازی سیاسی، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، ش ۱ (پیاپی ۶۷): ۴۰-۱۳.

Afrasiabi, K. L. (2003) "The environmental movement in Iran: Perspectives from below and above," *The Middle East Journal*, 57(3): 432-448.

Abhyuday (2022), ENVIRONMENTALISM, <https://articles.manupatra.com/article-details/Environmentalism>. Pp:1-9

Bengtsson, BO, (2015). *Ethnic Organization, Integration, and Political Opportunity Structures- Some Theoretical Considerations*. 40-65.

Baldez L (2003) *Women's movements and democratic transition in Chile, Brazil, East Germany, and Poland. Comparative Politics* 35(3): 253-272.

Christiansen J (2022) *Social Movement and Collective Behavior: Four Stages of Social Movements*. Ipswich, MA: EBSCO Publishing.

- Desai M (1996) **Informal organizations as agents of change: notes from the contemporary women's movement in India.** *Mobilization: An International Journal* 1(2): 59–17.
- Doherty, B., and Doyle, T. (2018). **Beyond borders: Transnational politics, social movements and modern environmentalisms,** *Environmental Politics*, 15(5): 697-712
- Edwards B and Marullo S (1995) **Organizational mortality in a declining social movement: the demise of peace movement organizations in the end of the cold war era.** *American Sociological Review* 60: 908–927
- Fadaee, S. (2012) **“Environmental movements in Iran: Application of the New Social Movement theory in the non-European context,”** *Social Change*, 41(1): 79–96.
- Fadaei, S, (2012), *Social Movements in Iran: Environmentalism and Civil Society*, Publisher: **Routledge**.
- Foltz, R. C. (2004) **“Environmental initiatives in contemporary Iran,”** *Central Asian Survey*, 20(2), 155–165.
- Green Front of Iran (GFI) (2012) **Green Front of Iran (GFI).** Available at: http://www.greenfront.org/E_index.asp
- Hashemi, F, Sadighi, H, Chizari, M & Abbasi, E (2022), **The relationship between ENGOS and Government in Iran.** Contents lists available at ScienceDirec..
- Johnson EW (2010) **Social movement size, organizational diversity, and the making of federal law.** *Social Forces* 86(3): 967–993.
- Kaboli, K. (2010) **‘Fascism, this time a religious one’, Green Party of Iran,** 20 March. Available at: <http://www.iran-e-sabz.org/articles/ticle5.html>. (in Persian).
- Koopman, R, (1997). **Political Opportunity Structure. Some Splitting to Balance the Lumping,** in *Sociological Review*, vol 14, No 1. 69.
- Karagiannis, Emmanuel (2024), **the Rise of Environmentalism in the Shi'i World: Evidence from Iran, Lebanon, and Yemen.** Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group. **To link to this article:** <https://doi.org/10.1080/15570274.2024.2434421>. Pp: 1-15
- McAdam D and Scott WR (2011) **Organizations and movements.** In: Davis GF, McAdam D, Scott WR, et al. (eds) *Social Movements and Organization Theory*. New York: Cambridge University Press, 4–40
- McCarthy JD and Zald MN (2008) **Social Movements in an Organizational Society.** New Brunswick, NJ: Transaction Books.

- Meyer, D. S, (2010), **Annual Review of Sociology**, no. 30, p. 126.
- Staggenborg S (1991) **The Pro-Choice Movement: Organization and Activism in the Abortion Conflict**. New York: Oxford University Press.
- Simpson, A. & Doyle, T. (2016), **Traversing more than speed bumps: Green politics under authoritarian regimes in Burma and Iran**, *Environmental Politics*, 15:5, 750-767, DOI: [10.1080/09644010600937199](https://doi.org/10.1080/09644010600937199)
- Schwartzstein, P. (2020), **How Iran is destroying its once thriving environmental movement**.
<https://www.nationalgeographic.com/environment/article/how-iran-destroying-once-thriving-environmental-movement#:~:text=Once%20a%20pioneering%20movement%2C%20Iranian,to%20discuss%20their%20shared%20challenges>
- United against nuclear Iran, (2023), **Iran's War on the Environment and Environmentalists**.
<https://www.eiu.com/n/green-politics-in-europe-the-successes-and-the-setbacks/>.
<https://wasteengineering.ir/2021/01/26/%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA-%D9%88-%D9%85%D8%B4%D8%AE%D8%B5%D8%A7%D8%AA->.

